

به مناسبت ۱۴ بهمن، ۵۴ - مین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی

«ارانی بذر زرین بر فراز کشورش افشاند»

رژیم استبداد در سیمای دکتر ارانی، پیکارگری خستگی ناپذیر، با استعدادی شگرف و تفکری والا می دید که هستی ارتجاع در ایران را به خطر انداخته بود. سراسر زندگی کوتاه، ولی پر بار دکتر ارانی، جز خدمت پاکبازانه در راه رهایی زحمتکشان کشور ما و برای تحقق عدالت اجتماعی در میهن ما، نیست.

... کاروان انبوه شهیدان، رهروان و مبارزانی که در پنج دهه گذشته راه پر سنگلاخ و دشوار نبرد در راه آزادی کشورمان را با الهام از ارانی و ارانی ها پیموده اند، همچنان به حرکت آرام ولی مطمئن خود به سوی پیروزی نهایی و استقرار آزادی و دموکراسی در میهن استبداد زده مان ادامه می دهد.

ص ۸

نامه مردم

آرکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۰، دوره هشتم
سال دهم، ۱۲ بهمن ۱۳۷۲

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس بررسی نقض حقوق بشر در ایران

به ابتکار سازمان حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان سوسیالیست های ایران و سازمان مشروطه خواهان ایران در داتمارک کنفرانس مهمی پیرامون بررسی مسئله نقض حقوق بشر در ایران با مشارکت احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، محافل اجتماعی و سازمان عفو بین الملل در این کشور، روز ۱۹ ژانویه (۲۹ دی ۱۳۷۲) در پارلمان داتمارک برگزار شد.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، نماینده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نماینده هیئت اجراییه سازمان سوسیالیست های ایران، از جمله سخنرانان این نشست مهم بودند. احزاب عمده سیاسی داتمارک، که اکثریت پارلمان این کشور را تشکیل می دهند، به صورت فعال در روند این نشست شرکت جستند. کنفرانس در رسانه های گروهی داتمارک انمکاس وسیعی یافت و روزنامه (Information) که از پرفروش ترین روزنامه های کشور محسوب می شود ضمن درج گزارش این کنفرانس در شماره ۲۰ ژانویه خود از قول منابع دولتی کشور نوشت، در صورت همکاری سایر کشورهای اروپایی، داتمارک آماده است تا دولت ایران را، حتی به قیمت لطمه خوردن به روابط اقتصادی میان دو کشور، شدیداً محکوم کند. این روزنامه ضمن درج گزارش کنفرانس قطعنامه مصوب این نشست را که به امضای همه احزاب عمده داتمارک نیز رسیده است به چاپ رساند.

ادامه در صفحات ۳ و ۷

«منشور آزادی»

کمیته مرکزی حزب توده ایران در سومین پلنوم خود که در آذر ماه سال جاری برگزار شد، سندی به نام «منشور آزادی» به تصویب رساند که هدف آن، همان طور که در سرمقاله «نامه مردم» شماره ۱۶ آمده است، به وجود آوردن «زمینه مساعد... برای ایجاد تفاهم و گفتگو میان نیروهای سیاسی کشور برای دستیابی به یک ائتلاف وسیع در چارچوب های دموکراتیک» تعریف شده است.

این سند، به دلیل اهمیت مسائلی که در آن مطرح شده، از هم اکنون به سوال ها و بحث های زیادی در میان نیروهای سیاسی دامن زده و در نتیجه، توضیح بیشتری را در مورد هدف ها و اصول مندرج در آن از سوی ما ضرور ساخته است. آنچه در زیر می آید، کوششی است برای توضیح برخی جوانب مهم این سند.

چرا «منشور آزادی»؟

اولین سوالی که شاید پیش از هر مسئله دیگری در ذهن خواننده سند «منشور آزادی» شکل بگیرد این است که هدف از انتشار این سند چه بوده و حزب توده ایران چه نکات تازه ای را که قبلاً مطرح نبوده اند در این سند مطرح ساخته است، به ویژه آن که «اصول بنیادین» مطرح شده در آن، در گذشته نیز در دستور مبارزه بسیاری از نیروهای سیاسی، از جمله خود حزب، قرار داشته اند؟

در پاسخ به این سوال باید گفت آنچه که انتشار این سند را از دیدگاه ما ضروری ساخته، نه کشفی تازه دربار ضرورت اجرای این اصول، بلکه درک از نیاز عاجل جنبش مردمی به تعیین یک کارپایه (پلاتفرم) سیاسی مشترک در مبارزه علیه رژیم بوده است. حزب ما مدت ها است به این درک که شرایط عینی برای اتحاد نیروهای مردمی مخالف رژیم آماده اند و مهم ترین مانع بر سر راه چنین اتحادی را عوامل ذهنی تشکیل می دهند، رسیده است. به نظر ما، مشکل اصلی در این عرصه، نبود یک کارپایه (پلاتفرم) سیاسی مشترک است که دربر گیرنده مجموعه اصول و خواست های مورد توافق اکثریت نیروهای مردمی، مترقی و دموکراتیک در سطح جامعه باشد. هدف حزب توده ایران از انتشار سند «منشور آزادی»، برداشتن گام های اولیه در جهت جبران این کمبود بوده است.

به اعتقاد ما، وقت آن رسیده است که نیروهای

مترقی، آزادخواه و مردمی، تنگ نظری های سازمانی و جدل های ذهنی بر سر «اشتباهات» گذشته یکدیگر را - که هیچ یک از نیروها از آن بی بهره نبوده اند - به کناری بگذارند و بکوشند تا به یک توافق اصولی در مورد ضرورت های مرحله کنونی مبارزه دست پیدا کنند. از این دیدگاه، «منشور آزادی» در بر گیرنده آن دسته از اصولی است که هم در گذشته مورد تأیید اکثریت نیروهای مترقی و آزادخواه بوده اند و هم امروز می توانند به مثابه میانی اولیه یک کارپایه مشترک برای مبارزه متحد این نیروها علیه رژیم عمل کنند.

«آزادی»: هدفی فراتر از «دموکراسی»

آنچه باید بیش از هر چیز در رابطه با سند «منشور آزادی» مورد تأکید قرار گیرد، وجود یک رابطه متقابل و تنگاتنگ میان اصول مندرج در آن، و ضرورت برخورد به این اصول به مثابه یک مجموعه جدایی ناپذیر است. می توان از «دموکراسی» جدا از «حق حاکمیت مردم» سخن گفت؛ می توان در مورد «مبارزه علیه امپریالیسم» بدون به رسمیت شناختن «حق شهروندان در انتخاب نوع حکومت» داد سخن داد، اما نمی توان مبارزه برای آزادی را از مبارزه برای تأمین حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی جدا کرد. نمی توان خود را مدافع واقعی «آزادی» در ایران دانست اما از جدایی دین از حکومت، که شرط اساسی

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

«منشور آزادی»...

«تامین حق بلامنازع شهروندان در تعیین و انتخاب نوع و ترکیب حکومت» است، سخن نگفت. نمی توان از «مراجعه مستقیم به آرای عمومی» به عنوان یکی از شروط اساسی استقرار «دموکراسی» سخن گفت اما خواهان «انحلال کلیه ارگان های تقنینی عقاید، سرکوب و ترور در جامعه» و پایان بخشیدن به سلطه اصل ضد دموکراتیک «ولایت فقیه» بر ساختار سیاسی جامعه نشد. نمی توان بر ضرورت «تامین بدون قید و شرط آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و صنفی»، تاکید کرد اما اساسی ترین پیش شرط دستیابی به آن، یعنی دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور در مقابل امپریالیسم و «تامین حاکمیت ملی ایران» را نادیده گرفت. نمی توان از «تامین آزادی اندیشه، مذهب، بیان و تشکل» برای همه شهروندان سخن گفت اما حقوق نیمی از شهروندان کشور - یعنی زنان - و حقوق نیمی دیگر از شهروندان - یعنی خلق های ساکن ایران - را همچنان پایمال کرد.

آنچه که «منشور آزادی»، به عنوان یک مجموعه یکپارچه، هدف قرار می دهد نه فقط تضمین «دموکراسی» در روینای سیاسی جامعه، بلکه «استقرار آزادی های فردی، سیاسی، اجتماعی و حاکمیت ملی» در تمامی ابعاد ساختار اجتماعی و برای اکثریت توده های مردم میهن است. آزادی های مندرج در سند «منشور آزادی» را از راه استقرار یک حکومت دموکراتیک، که همه طبقات و قشرهای مردم و نمایندگان سیاسی آنها در آن شرکت مستقیم دارند، می توان تامین کرد. تحقق یک چنین حکومتی نیز تنها از راه مبارزه متحد و یکپارچه همه این نیروها علیه رژیم استبدادی حاکم بر کشور امکان پذیر خواهد بود. همانطور که در سند «منشور آزادی» تاکید شده است، «تاخیر در سازماندهی چنین مبارزه ای تنها به معنی ادامه ظلم، بیعدالتی، بی قانونی و استبداد است».

چرا تامین «بدون قید و شرط» آزادی؟

برخی می پرسند: «تامین بدون قید و شرط آزادی ...» که در اکثر بندهای سند «منشور» مورد تاکید قرار گرفته به چه معنا است؟ آیا ما با طرح خواست آزادی به این شکل، مرزهای طبقاتی را نادیده نمی گیریم؟ آیا این خواست به معنای طلب آزادی برای «گرگ» و «میش» به طور یکسان نیست؟ پاسخ ما به این سؤال بجا و درست، به چند دلیل بسیار مهم، به طور قاطع منفی است.

در وهله اول، اگر قرار باشد آزادی های مورد نظر به شکل «بی قید و شرط» اعلام نشوند، آنگاه از نظر پراتیک این سوال اساسی پیش می آید که «قید و شرط» های کدام نیروی سیاسی یا اجتماعی را می بایست محک تعبیر خود از حدود و ثغور آزادی های فردی و اجتماعی قرار دهیم؟ آیا در این صورت، هر نیرویی با همان پیش شرط های گذشته خود با دیگران رویرو نخواهد شد و باز، در بر همین پاشنه کنونی نخواهد چرخید؟ آیا مشکل امروز ما نیز همین نیست که نیروهای سیاسی هنوز این رشد و آمادگی را از خود نشان نداده اند که حق فعالیت آزاد و «بدون قید و شرط» یکدیگر را در سطح جامعه بپذیرند؟

دوم، لازم است برای روشن شدن مسأله، بار دیگر بر تفکیک ناپذیر بودن اصول مندرج در «منشور» و ضرورت برخورد به آن ها به عنوان یک مجموعه یکپارچه، تاکید کنیم. این مجموعه، به نظر ما، دربرگیرنده حداقل شرایط لازم برای استقرار آزادی ها در کشور است و به همین دلیل نمی توان

قطب بخش هایی از آن را به عنوان اصول کلی پذیرفت و بخش هایی دیگر را مردود اعلام کرد. امروز در جامعه ایران تنها آن نیروهایی را می توان مردمی، مترقی و آزادیخواه شناخت که به تمامی این اصول به عنوان یک مجموعه خدشه ناپذیر، و یک چارچوب ضرور برای ایجاد فضای دموکراتیک در میهن اعتقاد داشته باشند. به نظر ما، همین برخورد یکپارچه به اصول «منشور آزادی» به خودی خود مرز میان «گرگ» و «میش» را تا حد زیادی روشن می کند.

سوم، پذیرش اصولی یک کارپایه حداقل از سوی نیروهای گوناگون، به هیچوجه به معنای عدول آن ها از مواضع مشخص سیاسی یا طبقاتی آن ها نیست و نمی تواند باشد. طبیعتاً هر نیرو، سازمان، یا حزبی، درک مشخص خود را در مورد چگونگی تامین، پیشبرد و تضمین این آزادی ها در سطح جامعه دارد و برای آن مبارزه خواهد کرد. آنچه که سند «منشور آزادی» از نیروهای گوناگون می طلبد، پذیرش اصولی یک چارچوب دموکراتیک است که بتوان با توافق روی آن، در جری سالم با دیگر نیروها بر سر میز مذاکره نشست و در مورد چگونگی پیشبرد مبارزه برای دستیابی به آن ها، و همچنین شیوه های مناسب پیاده کردن این اصول در ساختار آینده جامعه ایران به مذاکره پرداخت. به عبارت دیگر، این منشور نه بیانگر مواضع مشخص این یا آن حزب و سازمان، بلکه کلی ترین چارچوبی است که می تواند نقطه آغازی برای دستیابی به یک کارپایه سیاسی مشترک باشد. ما به سهم خود آماده ایم تا با همه نیروهایی که اصول مندرج در این سند را به عنوان حداقل اصول مورد توافق می پذیرند، برسر چگونگی اجرای آن ها و دستیابی به یک کارپایه سیاسی مشترک مذاکره کنیم.

چهارم، در چارچوب اصول مندرج در «منشور آزادی»، حزب توده ایران حق تبلیغ و مبارزه برای اشکال مناسب پیاده کردن این اصول را در سطح ساختار اجتماعی ایران، هم برای خود و هم برای همه نیروهایی که اصول «منشور آزادی» را می پذیرند، محترم می دارد. ما به این «منشور» به عنوان یک فصل مشترک اصولی میان نیروهای مردمی، و نه یک پلاتفرم سیاسی برای حزب توده ایران، برخورد می کنیم. به نظر ما، این مردم ایران هستند که در تحلیل نهایی شکل ساختار اجتماعی و سیاسی آینده کشور را تعیین خواهند کرد. آنچه که این «منشور» تضمین آن را برعهده خواهد گرفت، ایجاد یک محیط سیاسی - اجتماعی آزاد و سالم است که نیروهای گوناگون سیاسی بتوانند در چارچوب آن برنامه های خود را به توده های مردم معرفی و عرضه کنند و مردم کشور قادر باشند بر اساس درک آگاهانه و صحیح از عملکرد و برنامه نیروهای گوناگون، انتخاب خود را به طور آزادانه انجام دهند. در صورت تضمین یک چنین محیط آزاد و سالمی، نیروهای واپسگرا، ضد دموکراتیک و ضد مردمی قادر نخواهند بود بار دیگر از طریق زور یا انحراف افکار عمومی، حاکمیت سیاسی را در دست گیرند. به همین دلیل است که برای ما تردید یا نگرانی درباره ضرورت «تامین بدون قید و شرط آزادی ها» در سطح جامعه، حتی برای یک چنین نیروهایی، وجود ندارد. ما ضمن احترام به حق همه نیروها برای حضور و فعالیت آزاد در صحنه سیاسی کشور، همچنان این حق و وظیفه را برای حزب توده ایران قائلیم که در یک چارچوب دموکراتیک و به دور از هرگونه زورگویی و سرکوب، از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن قاطعانه دفاع کند و به مبارزه خود در راه رهایی آنان و استقرار یک نظام اجتماعی عاری از هرگونه ستم و بهره کشی طبقاتی ادامه دهد.

پنجم، و مهم تر از همه، این واقعیت انکارناپذیر وجود دارد که در تحلیل نهایی، مسأله آزادی های فردی

و اجتماعی را در کشور ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم، سطح رشد و آگاهی نیروهای اجتماعی، تعیین خواهد کرد. بر این اساس، دستیابی به آزادی های مندرج در «منشور آزادی»، نه فقط در گرو وجود یک توافق اصولی میان نیروهای مردمی و آزادیخواه، بلکه مستلزم به پیش بردن یک مبارزه متحد و یکپارچه علیه طیف نیروهای مدافع استبداد، سرکوب، وابستگی و واپسگرایی در جامعه نیز هست. به عبارت دیگر، حدود و ثغور آزادی های مورد درخواست نیروهای مترقی و آزادیخواه را نه «قید و شرط» های ذهنی تحمیل شده از سوی هر یک از آن ها به مجموعه جنبش، بلکه درجه موفقیت آن ها در بسیج نیروی لازم برای به زیر کشیدن نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر از مسند قدرت و تحمیل آزادی های مورد درخواست وسیع ترین اقشار توده های مردم به آن ها تعیین می کند. تردیدی نیست که در غیاب یک چنین نیروی منسجم و متحد مردمی، هرگونه سخن گفتن از آزادی ها، حتی از نوع «مقید و مشروط» آن، جز یک خواست اندیشی خوشبینانه چیز دیگری نخواهد بود.

نقش ویژه مبارزه طبقاتی زحمتکشان در تضمین آزادی های فردی اجتماعی شهروندان

اگر بپذیریم که درجه آزادی های فردی و اجتماعی در هر جامعه، تابعی از توازن نیروهای طبقاتی در آن است، آنگاه متوجه می شویم که تحصیل و تضمین این آزادی ها، به درجه سازمان یافتگی طبقات استثمار شونده جامعه دارد. تاریخ تکامل آزادی ها و حقوق دموکراتیک شهروندان در کشورهای سرمایه داری پیشرفته، بدون استثنا، حاکی از این است که حتی آن دسته از حقوقی که امروز به عنوان حقوق بورژوا - دموکراتیک شهروندان به رسمیت شناخته شده اند (مانند حقوق مربوط به آزادی و حق رای زنان، سیاهوستان و دیگر اقلیت های نژادی، حق بیمه بیکاری، بازنشستگی و بهداشتی، حق تحصیل، حق ایجاد تشکل های سیاسی و صنفی، و...)، تنها در چارچوب و بر اثر مبارزات پیگیر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان این کشورها به دست آمده اند. بورژوازی، علی رغم تمامی ادعاهایش در مورد دموکراسی، هیچ نوع آزادی و حقوق دموکراتیک را در هیچ کشوری بدون آن که از سوی کارگران و زحمتکشان مجبور شده باشد، به شهروندان واگذار نکرده است. در این واقعیت درسی است که نه تنها نیروهای مدافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، بلکه نیروهای مدافع آزادی و حقوق دموکراتیک شهروندان نیز نمی توانند از کنار آن بی تفاوت بگذرند. مهم ترین شرط تضمین آزادی ها و حقوق دموکراتیک در یک جامعه، به رسمیت شناختن و حمایت از حق کارگران و زحمتکشان برای تشکیل سندیکاها، اتحادیه ها، و دیگر تشکل های مستقل صنفی خود، و حضور گسترده آنان در عرصه مبارزه سیاسی است.

با توجه با این ضرورت مهم تاریخی، حزب توده ایران «تامین بدون قید و شرط آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و صنفی»، را به عنوان یکی از اصول لاینفک «منشور آزادی» مطرح کرده است.

بدین ترتیب، «منشور آزادی» با تصریح ضرورت مبارزه در راه استقرار آزادی های فردی و اجتماعی و حاکمیت ملی در ایران، به کارپایه ای برای اتحاد و همکاری نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور بدل می شود، کارپایه ای که در صورت توافق نیروها روی اصول آن، به مردم میهن ما کمک خواهد کرد تا بختک استبداد «ولایت فقیه» را برای همیشه از کشور خود برانند و راه را برای ایجاد ایرانی آزاد، آباد و مستقل بکشایند.

سخنرانی نماینده کمیته ...

کنفرانس بررسی مسئله حقوق بشر در ایران، روز چهارشنبه ۱۹ ژانویه، ساعت ۱۰ صبح با سخنرانی آقای لارس کریستینسن، دبیر شعبه سازمان عفو بین الملل در دانمارک کار خود را آغاز کرد. نماینده سازمان عفو بین الملل، ضمن اشاره به گزارش سالانه این سازمان، پیرامون وضعیت اسفناک حقوق بشر در ایران، از رژیم جمهوری اسلامی به عنوان دولتی که در صدر لیست کشور های نقض کننده حقوق بشر در جهان قرار دارد نام برد. بدنیا این سخنرانی آقای یوهان بستنمپ، نماینده حزب رادیکال و نماینده پارلمان این کشور (حزب رادیکال از احزاب عمده ائتلاف حاکم و دارای مسئولیت وزارت امور خارجه این کشور است.) در سخنرانی خود دولت جمهوری اسلامی را به خاطر زیر پا گذاردن حقوق بشر و تروریسم دولتی بشدت محکوم کرد. وی در سخنرانی خود یادآور شد که: اگر کشورهای اروپایی بتوانند به یک سیاست واحد برسند، می توان فشار همه جانبه ای را به رژیم تهران وارد کرد. وی ضمن استقبال از فعالیت های مشترک علیه تروریسم، گفت این سیاستی است که دانمارک طرح می کند و حاضر است برای اجرای آن از محافل اقتصادی خود چشم پوشی کند. وی ضمن محکوم کردن عمل دولت فرانسه در پس دادن دو متمم ترور دکتر کاظم رجوی، پنهان دولت فرانسه مبنی بر اینکه این عمل در راستای منافع ملی این کشور بوده است را کاملاً غیر قابل قبول دانست. سخنران بعدی ویگو فیشر، نماینده حزب محافظه کار در پارلمان این کشور بود. وی ضمن محکوم کردن سرکوب حقوق بشر در ایران، متذکر شد که دولت دانمارک در تلاش است تا با سایر متحدین اروپایی به یک سیاست مشترک پیرامون اعمال فشار علیه رژیم جمهوری اسلامی دست یابد.

سخنران بعدی خانم آبا استانگ، نماینده حزب سوسیالیست مردمی در پارلمان این کشور بود. وی ضمن قدردانی از ابتکار گروه های ایرانی در برگزاری این کنفرانس، از جمله گفت: پس از مرگ خمینی امیدواری هایی به سیاست های رهبری جدید، خصوصاً رفسنجانی ایجاد گردید. ولی زمان نشان داد که این دیدگاه صحیح نبود. آخرین سخنران دانمارکی این نشست آقای هل یوهانسن، نماینده حزب سوسیال دمکرات در پارلمان این کشور بود. وی در سخنرانی خود، از جمله گفت: دیپلماسی سکوت دیگر راهگشا نیست و ما باید راه حل دیگری جستجو کنیم. او رژیم جمهوری اسلامی را رکورد دار مرگ در جهان نامید. در پی سخنرانی نمایندگان پارلمان دانمارک نمایندگان احزاب و سازمان های ایرانی، به سخنرانی پرداختند. نخستین سخنران، نماینده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود که در سخنان خود، با اشاره به کارنامه رژیم جمهوری اسلامی و ذکر موارد متعدد نقض حقوق بشر در ایران، از جمله فاجعه ملی، پیرامون تروریسم رژیم علیه مخالفان خود در خارج از کشور و تضییق حقوق اقلیت های ملی و مذهبی توضیحاتی داد. سخنران بعدی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران بود (بخش عمده این سخنان در زیر آمده است). آخرین سخنران رسمی این نشست، نماینده هیئت اجرایی سازمان سوسیالیست های ایران بود، که ضمن توضیح نقض حقوق بشر در ایران و تذکر این نکته که رژیم به این اعمال خود جنبه ایدئولوژیک داده است، گفت: آنچه ما از دولت های غربی و جوامع بین المللی می خواهیم این است که در روابط خود با جمهوری اسلامی، مسئله نقض حقوق بشر در ایران را در نظر بگیرند و ادامه همکاری های اقتصادی-سیاسی را به رعایت

مسئله حقوق بشر از سوی دولت ایران مشروط کنند. در این کنفرانس افزون بر سخنرانی های رسمی، نمایندگان شورای ملی مقاومت، نماینده حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) و نماینده مشروطه خواهان در دانمارک در بحث های آزاد کنفرانس نظرات خود را بیان داشتند.

بخش هایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران

" در ابتدا اجازه دهید تا به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران، مراتب سپاسگزاری حزمگان را از مبتکران و سازمان دهندگان این نشست اعلام دارم. ما همچنین مراتب سپاسگزاری را از آن سازمان ها، احزاب سیاسی و محافل اجتماعی دانمارک که پیگیرانه از اصول حقوق بشر دفاع کرده و در پشتیبانی از حقوق پناهندگان ایرانی ساکن دانمارک فعالیت کرده اند اعلام می کنیم و امیدواریم که نتیجه این گردهمایی، مجموعه اقدامات مشخصی در امر پیشبرد مبارزه برای حقوق بشر در ایران باشد. ما امیدواریم که این ابتکار بدعتی نوین برای گردهم آمدن محافل ایرانی در خارج از کشور و میزبانان آنان با هدف ایجاد یک کارزار وسیع، اصولی و دینامیک برای استقرار یک دموکراسی واقعی در ایران باشد.

من در این جا قصد ندارم که وارد جزئیات کارنامه حقوق بشر رژیم جمهوری اسلامی بشوم. تاکنون سازمان ها و مجامع بین المللی مانند سازمان عفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش های مفصلی از نقض حقوق بشر توسط رژیم انتشار داده اند. هدف من در اینجا ازایه مشخصه های عمده، روش و سیاست های رژیم در این عرصه و نظرات حزب توده ایران پیرامون راه برون رفت از این وضعیت می باشد.

بهمن ماه امسال مصادف است با ۱۵-مین سالگرد انقلاب ایران. میلیون ها ایرانی با خواست های مشخص دستیابی به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال در این جنبش عظیم توده ای شرکت جستند و فداکاری های زیادی را متحمل شدند. نیروهای مذهبی به رهبری خمینی علی رغم وعده های اولیه شان، خیلی زود به این آماج ها و خواست های اکثریت مردم ما خیانت کردند و یک حکومت دیکتاتوری قرون وسطایی را در کشور ما مستقر ساختند. در آغاز دهه هشتاد دهها هزار نفر از سازمان های مختلف سیاسی ایران، از جمله مجاهدین خلق ایران، حزب دمکرات کردستان، فدائیان خلق، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، حزب توده ایران و سایر نیروهای اپوزیسیون، دستگیر، مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند و سپس بدون طی مراحل قانونی به جوخه های اعدام سپرده شدند. یگانه جرم قربانیان این کشتار بی سابقه، به زیرعلامت سوال بردن عملکرد رژیم در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود. رژیم ایران ضمن رد این اتهامات مدعی است که سیاست های اعمال شده برپایه "قوانین اسلامی" مدون کشور است. اما حقیقت امر چنین نیست. دادگاه های "شرع اسلامی" در تقابل آشکار و صریح با قانون اساسی جمهوری اسلامی عمل می کنند. بر خلاف اصول مندرج در قانون اساسی کشور، هیچیک از قربانیان جنایات سال های اخیر، از یک محاکمه عادلانه با حضور وکیل مدافع، و حق دفاع از خود برخوردار نبودند... در سال ۱۹۸۸ به دستور مستقیم خمینی یک گروه سه نفره ماموریت یافت که تصفیه خونینی را در زندان های ایران سازماندهی کند. در این تصفیه که به کشتار هزاران زندانی سیاسی

منجر گردید، پاسخ زندانیان به سوال های "آیا به اسلام اعتقاد دارید"، "آیا حاضرید از اعتقادات قبلی خود توبه کنید"، تعیین کننده سرنوشت مرگ و یا زندگی هر زندانی بود. این قتل عام وحشیانه بزرگترین کشتار سیاسی قرن بیستم در کشور ما بود. هزاران نفر، از جمله صدها تن از اعضای حزب توده ایران و از آنجمله تقریباً تمامی رهبری حزب ما، و در میان آنان کسانی که بیش از ۲۵ سال از عمر خود را در زندان های شاه سپری کرده بودند، به طرز فجیعی به قتل رسیدند...

با صراحت می توان گفت که هرگونه انتظاری از اینکه رژیم جمهوری اسلامی به میل خود به یک برخورد "متدل" و پراگماتیک روی آورد، تنها نشانگر عدم درک ماهیت اساسی رژیم "ولایت فقیه" است... به عنوان نمونه اجازه دهید به سیاست های رئیس جمهور رژیم - رفسنجانی - اشاره ای بکنیم. رفسنجانی به مثابه یار و پیرو خمینی و به عنوان یکی از مطمئن ترین مهره های حاکمیت با حمایت و کمک جناح محافظه کار به ریاست جمهوری رسید و کلیه سیاست های قرون وسطایی حکومت را دنبال کرد. او با حمایت جناح محافظه کار، کنترل بسیار تنگ و بنیادگراهی را در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور تقویت کرده است. برخورد سرکوبگرانه با هر صدای مخالفی، نه تنها فضای اختناق آلودی را بر کشور حاکم کرده است، بلکه به مخرومیت کشور از تخصص ها و استعدادهایی نیز منجر گردیده است که برای بیرون کشیدن ایران از وضعیت اسفبار اقتصادی کنونی ضروری است. علی رغم منابع طبیعی فراوان، مردم ایران هر روز فقیر تر و محروم تر می شوند. تورم سرسام آور، رشد تصاعدی قیمت ها، کمبود مایحتاج عمومی، کمبود دارو و ... شرایط بسیار دشواری را برای اکثریت مردم کشورمان ایجاد کرده است... سرکوب بیشتر تنها پاسخ رژیم به رشد ناراضیاتی وسیع توده های مردم است... ده ها تن از اعضا و رهبران نیروهای اپوزیسیون که در سال های اخیر در آلمان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، قبرس، ترکیه، و پاکستان ترور شده اند، از جمله قربانیان سیاست های سرکوبگرانه و تروریستی رژیم جمهوری اسلامی هستند.

این خود گویا ترین سند در تایید این نظر است که رژیم کنونی ایران قابلیت پذیرش شیوه های انسانی برخورد با مخالفان خود را نداشته و ندارد.

حزب توده ایران بر این اعتقاد است که برای همواره ساختن راه استقرار دموکراسی در ایران، می بایست یک گسست کامل و تمام عیار با تئوکراسی انجام پذیرد. به عبارت ساده ما خواهان جدایی کامل دین از حکومت هستیم. این بدان معنی نیست که ما به اعتقادات مذهبی مردمان احترام نمی گذاریم، بلکه ما مذهب را به عنوان یک مسئله شخصی و وجدانی شهروندان تلقی می کنیم. ما معتقد به قوانینی همخوان با بیانیه های جهانی حقوق بشر هستیم، و این قوانین را فراگیر و تقسیم ناپذیری می دانیم. در ژوئن سال ۱۹۹۳، سازمان ملل متحد مبتکر برگزار کننده یک کنفرانس بزرگ در ارتباط با مسئله حقوق بشر بود. این ابتکار بجا، پس از ۴۵ سال که از زمان تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر میگذرد، باردیگر مسئله نقض حقوق بشر در گوشه و کنار جهان، و از جمله ایران را در معرض افکار عمومی جهان قرار داد. واقعیت این است که در آستانه قرن ۲۱، مردم کشور ما با رژیمی مواجه هستند که نه تنها تمام حقوق بنیادین انسانی را نقض می کند، بلکه در عین حال به عملکرد خود می پالند...

برای ما مسئله حقوق بشر تنها به مسایل

ادامه در ص ۷

بازهم ترور فعالین اپوزیسیون

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس روز سه شنبه ۱۴ دیماه یک کرد ایرانی به نام طه کرمینج در شهر «کوروم» ترکیه طی حمله مردان مسلح به قتل رسید. این خبرگزاری در گزارش خود و به نقل از یک مقام وزارت کشور ترکیه می افزاید که یک ایرانی به اتهام قتل دستگیر شده است.

طه کرمینج در تابستان سال جاری به «کمیساریای عالی پناهندگان» در ترکیه وابسته به سازمان ملل متحد، مراجعه و این «کمیساری» در جستجوی کشور ثالثی بود که اقامت دائمی به نامبرده بدهد.

لازم به توضیح است که در روزهای آخر آذرماه و بدنبال سفرحسن حبیبی و علی اکبرولایتی به ترکیه، مقامات دو کشور توافق کردند که مشترکا اقدامات همه جانبه ای را در مبارزه با آنچه که آنها «تروریسم» نامیدند، انجام دهند و اخیرا در این رابطه کمیسیون مشترک امنیتی دو کشور تشکیل شده است. یکی از موارد توافق دول ایران و ترکیه تبادل اطلاعات پیرامون فعالیت نیروهای اپوزیسیون دو رژیم می باشد.

روز دوشنبه ۲۷ دی ماه، حزب دمکرات کردستان ایران با صدور بیانیه ای در پاریس، اعلام کرد که «ابوبکر هدایتی»، عضو کمیته این حزب در سوئد برائثر انفجار یک بسته پستی بشدت مجروح شده و هم اکنون در بیمارستان بستری است.

حزب دمکرات کردستان ایران با توصیف این سوء قصد «مانند صدها عمل تروریستی در ۱۵ سال اخیر» رژیم جمهوری اسلامی را مسول طراحی و اجرای این عمل دانسته و از مقامات قضایی سوئد خواست که عاملین ارسال بسته پستی را تعقیب کند.

مشاور نخست وزیر آلمان:

ایران در ترور برلن دخالتی نداشته است

بنابه گزارش تاگس اشپیکل، اشمیت باوئر، مشاور نخست وزیر آلمان در امور امنیتی، ادعا کرد که دولت ایران دخالتی در ترور دکترصادق شرفکندی، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، و یاران او نداشته است. نامبرده این سخنان را در کمیسیون ویژه مجلس ایالتی برلن که به منظور تحقیق در رابطه با این ترور تشکیل شده است، بیان داشت.

حدود یک هفته پیش از آن نیز، حسین موسویان، سفیر رژیم در آلمان، همین ادعا را از قول باوئر در مصاحبه با یکی از هفته نامه های آلمانی تکرار کرده بود.

همزمان با این اظهارات، موسوی تبریزی، دادستان کل کشور اعلام کرد که «هلموت شیمکوس، جاسوس آلمانی» به اعدام محکوم شده است و فقط «رهبر» می تواند او را غنو

اعتراضات توده ای

روز چهارشنبه ۱۵ دیماه تعداد زیادی از اهالی افسریه تهران در اعتراض به طرح جدید ترافیک به مدت ۲ ساعت بزرگراه این منطقه را مسدود نمودند. اجرای این طرح موجب ۲ برابر شدن هزینه حمل و نقل برای اهالی این منطقه خواهد شد.

روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی به نقل از یکی از مسئولین شهرداری اعلام کردند: «اخلاقگران» که به میان مردم رفته بودند با استفاده از یک دستگاه جرثقیل قطعات بزرگ سیمانی را به وسط بزرگراه منتقل و آن را مسدود کردند.

این تظاهرات اعتراض آمیز با دخالت خشن مامورین انتظامی روبرو شد.



نمایند. و بدنبال تقاضای دولت بن برای عفونامبرده، محمد جواد لاریجانی، معاون کمیسیون امور خارجی مجلس شورای اسلامی، که در راس یک هیئت پارلمانی به آلمان سفر کرده بود، اظهار داشت: «امکان عفوشیمکوس از سوی مقام ... رهبری وجود دارد». و بالاخره خامنه ای نیز طی سخنانی به مناسبت ۱۹ دیماه، سالروز قیام مردم قم در سال ۱۳۵۶، از «دولت های بزرگ و باشعور اروپایی که» به اهمیت ایران و نظام ج.ا. واقف هستند»، یاد کرد.

لازم به توضیح است که اخیرا دولت فرانسه با نقض آشکار قوانین بین المللی، دو ایرانی متهم به قتل «کاظم رجوی» که قرار بود برای تحقیقات و محاکمه به دولت سوئیس تحویل داده شوند را به تهران بازگرداند.

تعدادی از دولت ها و بسیاری از سازمان های سیاسی و اجتماعی این اقدام دولت فرانسه را محکوم کرده اند.

تحویل دو متهم به قتل به جمهوری اسلامی نه تنها نقض آشکار قوانین بین المللی بلکه نشاندهنده برخورد ریاکارانه دولت فرانسه در رابطه با مبارزه علیه تروریسم است.

دولت رفسنجانی خواهان حذف سوپسید

برفراورده های نفتی است

محسن یحییوی، رئیس کمیسیون نفت مجلس شورای اسلامی، طی مصاحبه ای اظهار داشت که براساس «لایحه بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور» قیمت بنزین، گازوئیل، سوخت گاز و ... بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ درصد افزایش می یابد. وی دراین رابطه نظر خود را چنین بیان داشت:

«... این ضرورت تعدیل قیمت هاست یعنی اگر بخواهیم عادلانه در کشور عمل کنیم باید قیمت ها را تعدیل کنیم، منتها آیا الان وقت مناسبی برای این کار هست یا نیست آن چیزی است که مورد اعتراض ماست به دلیل اینکه هرگونه افزایش قیمت فرآورده های نفتی باعث افزایش قیمت سایر نیازهای عمومی و ضروری جامعه می شود...»

بنابه گزارش روزنامه «سلام» (۲۵ دیماه ۱۳۷۲) دانشجویان مقیم خوابگاه دانشجویی دانشگاه تهران در اعتراض به وضعیت بهداشتی این خوابگاه سه شنبه شب ۲۱ دیماه، در مسجد «کوی دانشگاه» جمع شده و خواستار برکناری رئیس «مجمع کوی دانشگاه» شدند. بدنبال این تجمع رئیس دانشگاه تهران، افروز با حضور در محل طی سخنانی مدعی شد «عده ای منافق قصد اخلاف ... دارند». این برخورد ارباب مآبانه رئیس دانشگاه اعتراضات شدید دانشجویان را برانگیخت. وی مجبور به عذرخواهی گردید و قول داد تا به خواسته دانشجویان رسیدگی شود.

تعدادی از فارغ التحصیلان

«دانشسرای تربیت معلم» آموزش و پرورش شهرستان استهبان، با جمع آوری طومار و ارسال آن به مقامات رژیم، نسبت به اخراج دسته جمعی خویش اعتراض نمودند. در این طومار از جمله نوشته شده است:

«بدنبال اطلاعیه رسمی وزارت آموزش و پرورش ج.ا. و موقیبت در آزمون ورودی و طی مراحل قانونی و سپردن تعهد رسمی و بعد از اتمام تحصیل در دانشسرای تربیت معلم، برابر ابلاغ آموزش و پرورش استهبان از مهر ۷۲ مشغول خدمت گردیده ایم. اکنون با گذشت چند سال از سپردن تعهد رسمی و ۳ ماه خدمت ناگهان برخلاف همه موازین قانونی بخشنامه کرده اند که مجوز استخدام و ردیف حقوقی برایمان منظور نشده است و به کارمان خاتمه داده اند.

دیگر چه اطمینانی برای جوانان باقیست که به اطلاعیه ها و آزمون های ادارات و نهادها تکیه نمایند و آینده زندگی خود را ترسیم نمایند؟ ... ما خواهان اجرای قانون هستیم اما می خواهیم بدانیم که در این مملکت با قانون شکنان رسمی چه باید کرد؟»

روسیه

علی رغم اظهار نظره‌های تکبرآمیز برخی از رهبران نیروهای راست روسیه و نیز تصایح مداخله گرانه کشورهای سرمایه داری، مبنی بر اینکه دولت جدید روسیه نباید وقعی به نتایج انتخابات پارلمانی ماه گذشته بگذارد، همه شواهد براین دلالت دارند که بوریس یلتسین و اطرافیان‌ش از نتایج انتخابات سخت به وحشت افتاده اند. اولین قدم‌های عملی در تشکیل دولت جدید و نیز اظهار نظره‌های نخست وزیر روسیه، ویکتور چرنومیردین حاکی از این است که دولت «شوکت‌ترایی اقتصادی» را کنار خواهد گذاشت.

چرنومیردین در اولین جلسه کابینه جدید گفت باید راه‌هایی برای کمک به کارخانه‌هایی که شدیداً در مضیقه مالی هستند، پیدا کرد. خبرگزاری تاس این حقیقت داشته که امروز تعدادی از کارخانه‌ها عملاً در تعطیلی بسر می‌برند. نخست وزیر روسیه هم چنین به وزرا هشدار داد که دولت باید از تقابل با پارلمان خودداری کند؛ «ما نیاز داریم که همکاری نزدیک و کاری ایجاد کنیم، نه تقابل. ما منافع مشترک داریم. ما نیاز داریم که راه‌ها و وسایلی برای کمک به کارخانه‌ها پیدا کنیم که شروع به کار کنند و محل درآمدی برای بودجه باشند».

یکور گایداری و بوریس فیودوروف که از طرفداران سیاست‌های مونتاریستی و شوکت‌ترایی اقتصادی هستند، از پیوستن به دولت جدید خودداری کرده و اعتراض نمودند که تلاش‌های آنان برای حفظ شوکت‌ترایی، عقیم گذارده شده است. کاملاً مشخص است که تغییر موضع دولت، ریشه در تغییر ماهوی سیاست استراتژیک آن ندارد، بلکه فقط عقب نشینی موضعی در مقابل نتیجه انتخابات و نیز وضعیت وخیم اقتصادی کشور است. تولید صنعتی روسیه در ماه ژانویه به میزان ۰.۸٪ ماه دسامبر رسیده است و تورم حدود ۴٪ در هفته می‌باشد. چرنومیردین که عملاً سکان اداره دولت را بدست گرفته است می‌گوید: «راه حل‌های ساده وجود ندارد. ما باید برخوردمان را عوض کنیم و روند رفهر را در بسیاری از عرصه‌ها تغییر دهیم». وی مورد استعفای گایداری، گفت که اگر چه این «غافلگیر کننده بود، ولی یک تراژدی نبود. من دلیل اصلی استعفای گایداری را به دلایلی که او اظهار داشته است ارتباط نمی‌دهم. من معتقدم که انگیزه اصلی گایداری ملاحظات سیاسی بود و نه مسایل عملی». چرنومیردین پنهان نمی‌کند که معتقد به رفهرهای بازار هست ولی بر این باور است که «دوره رمانتیسیم بازار» در روسیه به پایان رسیده است.

دول سرمایه داری غرب شدیداً از تحولات جدید به وحشت افتاده اند. وزیر خارجه آلمان آقای کلاوس کینکل به یلتسین اظهار کرد که از دست دادن فیودوروف و گایداری «به از بین رفتن اعتماد به مسکو» منجر خواهد شد. «غرب باید کمک خود را به یلتسین ادامه دهد ولی با این شرط که اهداف رفهر نباید بطور جدی در معرض خطر قرار گیرد». کینکل هم چنین اظهار داشت که ارزیابی رفهر فقط با معیارهای صرفاً اقتصادی باید صورت گیرد و نه با پیشرفت‌های دموکراتیک. از طرف دیگر بیل کلینتون اظهار کرد که مقدار کمک دریافتی از سوی روسیه «مستقیماً در رابطه با نوع رفهرهایی خواهد بود که آن‌ها به پذیرند». منابع رسمی فرانسه گفتند که مسئولان عالی‌رتبه ۷ کشور پیشرفته سرمایه داری که از تحولات روزهای اخیر شدیداً متقلب شده اند در روزهای ۲ و ۳ بهمن تلفنی با هم تبادل نظر نموده اند.

در انتخابات برای تعیین سخنگوی دوما، یکی از مخالفین سرسخت یلتسین از حزب دهقانی که از



بوسنی اظهار کرده است که برای شکست محاصره شهرهایی که عمدتاً مسلمان هستند، آماده است که از نیروی هوایی استفاده نماید، ولی چندین عضو این اتحادیه تجاوزگر، از حمایت عملی این تصمیم خودداری کرده اند. ژنرال بریکومونت گفت: «قرار است حملات علیه یک طرف انجام شود. همه می‌خواهند که یک لگدی به صرب‌ها بزنند، ولی مشکل اینجا خیلی پیچیده تر و بفرج تر از اینهاست. این یک درگیری سه جانبه است. ایده فیلم‌های کابویی که همیشه یک چهره خوب است و یک چهره بد، در اوضاع بهم پیچیده و بفرج بوسنی جای ندارد». او اضافه کرد: «شک دارد که چنین عملی صرب‌ها، مسلمانان و کرووات‌ها را وادار کند که سلاح‌هایشان را زمین بگذارند». از ماه آینده یک ژنرال انگلیسی جانشین بریکومونت خواهد شد.

آفریقای جنوبی

کنگره ملی آفریقا در روز ۲۴ دی ماه پیشنهادات خود را برای مقابله با تأثیرات آه‌رتاید بر زندگی اکثریت قریب به اتفاق مردم آفریقای جنوبی، منتشر کرد. طرح پیشنهادات کنگره ملی در یک کنفرانس سیاست‌گذاری که در روزهای ۲ و ۳ بهمن بین حزب کمونیست و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی صورت گرفت، به مورد بحث گذاشته شد. در این طرح که به نام برنامه «بازسازی و توسعه» نامگذاری شده، آمده است: «پیروزی انتخاباتی قدم نخستین است. اگر توده مردم ما در قعر بمانند، بدون زمین و بدون امید به فردای بهتر بسر برند، هیچ دموکراسی سیاسی‌ای نمی‌تواند دوام بیاورد و شکوفا شود». طرح برنامه طرفدار یک اقتصاد مختلط است که دولت در آن یک نقش رهبری کننده و متعطف را در «توازن پویا بین بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی» ایفا نماید. مسئول امور اقتصادی کنگره ملی آفریقا در پاسخ به خبرنگاران از توضیح درباره دامنه ملی کردن صنایع خودداری کرد و فقط اشاره نمود که سند مذکور چارچوبی است که به نظرخواهی و مشورت احزاب دیگر داده می‌شود.

در سند گفته می‌شود صنعت معدن، که تحت کنترل ۶ کمپانی عمده است باید از طریق قانونگذاری‌های ضد ترانس، دموکراتیزه گردد. طرح برنامه هم چنین در مورد اقداماتی مشخص که فاصله بین فقر و ثروت را کمتر کند، به تمام شهروندان امکان و فرصت مناسب در بهره برداری از استعداد خود و امکانات جامعه را بدهد و نیز مهارت و تخصص را در سطح توده‌ها عملی سازد، بحث می‌کند. به گفته مسئول امور اقتصادی کنگره ملی آفریقا، این‌ها اقداماتی ضرور برای اقتصادی هستند که «توسط آه‌رتاید ویران شده است».

کنگره ملی آفریقا اعلام نموده است که پس از ثبت نام خود به عنوان یک حزب سیاسی در این ماه، نقش خود را به مثابه یک جنبش راهی بخش ملی کنار نخواهد گذاشت. سخنگوی کنگره ملی آفریقای جنوبی گفت: «ما براساس مفاد قانون انتخابات، قبل از ۷ اردیبهشت به عنوان یک حزب سیاسی ثبت نام خواهیم کرد». ولی کنگره ملی آفریقا «مشخصه خود را به مثابه یک جنبش راهی بخش ملی که در سال ۱۹۱۲ اعلام نمود، کنار نخواهد گذاشت».

متحدان حزب کمونیست فدراسیون روسیه است، بالاترین رای را آورد. ایوان ریپکین، رهبر حزب دهقانی، یکی از سخنگویان اصلی گروه «کمونیست‌های روسیه» در پارلمان قبلی بود.

رهبران حزب کمونیست روسیه که از پیروزی انتخاباتی خود شادمان هستند در روز جمعه اول بهمن با نثار تاج گلی به مقبره لنین، به مناسبت ۷۰ - مین سالگرد مرگ ولادیمیر ایلیچ لنین، به بنیانگذار حزب کمونیست شوروی و نخستین کشور سوسیالیستی در جهان ادای احترام کردند. روزنامه پراودا در شماره اول بهمن خود در مقاله‌ای در صفحه اول نوشت: «جهاد علیه لنین به پایان تنگین خود نزدیک می‌شود».

مجارستان

طبق یک نظر خواهی عمومی و معتبر که اخیراً از سوی مراکز علمی-تحقیقی اروپا انجام گرفته است، کمونیست‌های سابق مجارستان موفقیت بسیار مساعدی دارند که در انتخابات پارلمانی آینده کشور، قبل از خرداد ماه ۷۲، پیروز شوند. این نظر خواهی بخشی است از یک پروژه وسیع که تحت عنوان «افکار عمومی و تحکیم دموکراسی در روسیه و اروپای شرقی» صورت می‌گیرد. آخرین یافته‌های این نظر خواهی حاکیست که ۲۵٪ رای دهندگان مجاری به حزب سوسیالیست‌ها (کمونیست‌های سابق) رای خواهند داد. در حال حاضر مجارستان تحت حاکمیت ائتلافی به رهبری «گردهمایی دموکراتیک مجارستان» اداره می‌شود.

بوسنی - هزرگوین

رهبران کشورهای امپریالیستی پیمان تجاوزگر ناتو بار دیگر یوگسلاوی را تهدید کرده اند که اگر طرح‌های پیشنهادی آنان را قبول نکنند، مورد حملات هوایی و بمباران قرار خواهد گرفت. این موضع تجاوزگرانه و خشن که اوضاع تراژیک منطقه را بحرانی تر خواهد کرد، حتی مورد قبول برخی از مقامات بلند پایه درگیر نمی‌باشد. فرمانده فلی نیروهای نظامی ناتو، ژنرال فرانسیس بریکومونت در روز ۲۶ دی گفت: «غرب باید تهدید حملات هوایی علیه صرب‌ها در بوسنی را متوقف کند. من از شنیدن دوباره و دوباره این صحبت‌ها در مورد حملات هوایی، حالم بهم می‌خورد». اجلاس اخیر سران ناتو به صرب‌های

سلامتی کارگران گروگان کشمکش های میان سازمان تامین اجتماعی و آزمایشگاه های خصوصی تشخیص طبی

است. شیوه برخورد غیرمسئولانه بازرسان سازمان تامین اجتماعی به آزمایشگاه های تشخیص طبی که فقط يك هدف تبلیغاتی را دنبال می کند، از هم اکنون منجر به تعطیل شدن تعداد زیادی از آزمایشگاه ها، و خودداری تعداد دیگری از آن ها از پذیرش بیماران تحت پوشش بیمه شده است.

این عملکرد، نه تنها مورد اعتراض بیمه شدگانی که با مشکل عدم قبول دفترچه هایشان در آزمایشگاه ها روبرو شده اند قرار گرفته، بلکه صدای اعتراض مسئولان بهداشتی برخی نهادهای دولتی را نیز بلند کرده است. دکتر صفاری، معاون درمان سازمان منطقه ای بهداشت و درمان استان تهران در مصاحبه ای می گوید: «در این زمینه جلساتی با مسئولان سازمان تامین اجتماعی داشته ایم و به آن ها پیشنهاد کردیم که به لحاظ مشکلاتی که برای بیمه شدگان ایجاد شده از لغو قرارداد با آزمایشگاه های مذکور خودداری کنند. اما تاکنون در این زمینه نتیجه ای حاصل نشده است.»

به این گفته های دکتر صفاری باید اضافه کرد که جز این نیز انتظاری نمی توان داشت. در شرایطی که رژیم حاکم بر کشور تمامی شهروندان - پیر و جوان، مرد و زن، کارگر و کارمند، مخالف و موافق، کرد و لر و بلوچ - را به گروگان گرفته است، طبیعی است اگر بیمه شدگان نیز به گروگان هایی در دست سازمان تامین اجتماعی رژیم بدل شده باشند.

متخصص خبری نیست» و «مدیران برخی کارشناس متخصص هستند که این مهم تهدیدی برای روند معالجه و سلامت بیمه شدگان محسوب می شود.»

ساده دلی خواهد بود اگر تصور کنیم که سازمان تامین اجتماعی رژیم، که سابقه تثبیت شده ای در نادیده گرفتن حقوق و منافع ۱۶ میلیون کارگر و زحمتکش بیمه شده در سراسر کشور دارد، به ناگاه نگران «سلامت بیمه شدگان» شده و برای دفاع از حقوق آن ها دست به «جریمه و لغو قرارداد» آزمایشگاه های خصوصی تشخیص طبی زده است. تردیدی نیست که اشک تمساحی که این سازمان امروز برای سلامت و بهداشت کارگران می ریزد، تنها نتیجه مبارزه گسترده و افشاگرانه ای است که کارگران و زحمتکشان در سراسر کشور، علیه سیاست های ضدکارگری سازمان تامین اجتماعی در طول چند سال گذشته به پیش برده اند. این نه فقط بیانگر ورشکستگی سیاست خصوصی کردن مؤسسات اقتصادی، به ویژه طب و بهداشت، توسط دولت رفسنجانی است، بلکه نشان می دهد که مبارزات سازمان یافته کارگران تا چه حد در سطح جامعه رشد کرده و به چه نیروی بالقوه عظیمی برای ایجاد تحولات بنیادی در سطح جامعه بدل گشته است.

اما مسئله شایان توجه در این میان، قربانی شدن مجدد «سلامت بیمه شدگان» بر اثر همین شعبده بازی های اخیر سازمان تامین اجتماعی

به دنبال موج اعتراضات شدیدی که از سوی کارگران و دیگر زحمتکشان علیه سیاست های ضد کارگری سازمان تامین اجتماعی سراسر کشور را فرا گرفت و به افشای وسیع سوء استفاده های مالی پزشکان و بیمارستان های بخش خصوصی از بودجه این سازمان انجامید، سازمان تامین اجتماعی تلاش گسترده ای را برای «ترمیم وجهه» خود در میان کارگران و زحمتکشان کشور آغاز کرده است.

از جمله این تلاش ها که از چند ماه پیش آغاز شده، انجام «بازرسی های فنی از آزمایشگاه های تشخیص طبی»، «برخورد قاطع با مدیران متخلف» و «جریمه و حتی لغو قرارداد» سازمان تامین اجتماعی با آن ها بوده است. ظاهراً پس از پانزده سال، سازمان تامین اجتماعی ناگهان متوجه شده است که «برخی آزمایشگاه های تشخیص طبی بی انصافی را به اوج خود رسانیده و علاوه بر تخلفات متعدد، در مواردی حتی در برگه آزمایش بیمار که يك نوع آزمایش برایش تجویز شده چند نوع آزمایش دیگر اضافه می کنند تا از سازمان تامین اجتماعی پول بیشتری دریافت کنند.»

علاوه بر این، باز پس از پانزده سال بی توجهی به مسایل بیمه بهداشتی کارگران، سازمان تامین اجتماعی ناگهان از زبان «ادیب امینی»، مسئول آزمایشگاه های این سازمان، علناً اعلام می کند که «متأسفانه در اکثر آزمایشگاه های تشخیص طبی از کارشناس

اخبار زحمتکشان

آب آشامیدنی سالم، کافی نبودن حمام و دستشویی، مواد بهداشتی و شوینده و نبود کمیته حفاظت و بهداشت»، به عنوان نمونه هایی از این تخلفات نام برد. طبق گفته وی، کارگران شرکت از «شانزدهم دی ماه سال ۷۰» رسماً از وزارت کار خواسته اند که به این تخلفات رسیدگی کند اما تاکنون در این مورد اقدامی انجام نگرفته است.

واحدهای تولیدی ایلام قادر به پرداخت حقوق کارگران نیستند مهندس خلیل قزلچه، معاون اداره کل صنایع استان ایلام، در آذرماه سال جاری اعلام کرد که «اکثر واحدهای تولیدی صنعتی نوپای استان ایلام به علت کمبود نقدینگی در سال جاری با مشکل مواجه شده اند.» طبق گفته وی، «تعداد کل واحدهای تولیدی این استان به ۱۵۶ واحد می رسد که هم اکنون قریب به ۸۰ درصد آنها با کمبود نقدینگی مواجه هستند.» وی گفت: «بعضی از واحدهای تولیدی ... هم اکنون با رکود مواجه شده و حتی قادر نیستند مزد ماهیانه کارگران خود را به موقع پرداخت نمایند.» طبق گزارش مطبوعات، نرخ بیکاری در استان ایلام، هم اکنون از ۱۶ درصد نیز فراتر رفته است.

۸۰ درصد تولید شرکت کبریت سازی ایران متوقف شده است محمد جعفری، مسول شورای اسلامی شرکت کبریت سازی ایران، در يك گفتگوی مطبوعاتی که اخیراً انجام داد اعلام کرد که «به دلیل ورود بی رویه کالاهای مشابه خارجی، و به علت عدم توانایی و سیاست های نادرست مسئولین شرکت کبریت سازی ایران، ۸۰ درصد از بخش های تولیدی این شرکت به حال رکود درآمده اند... به طوری که دستگاهی که در سال ۷۰ روزانه ۱۲۰ کارتن کبریت تولید می کرد در حال حاضر رویهم رفته حد اکثر ۲۰ کارتن کبریت تولید می کند.» وی در ادامه سخنان خود گفت که کارگران شرکت «در جهت ارتقای کیفی تولیدات شرکت و به منظور رقابت با کالاهای خارجی پیشنهاداتی را به مسئولین شرکت ارایه» داده اند، ولی «مدیریت تاکنون در این راستا اقدامی نکرده است.» طبق گفته او، هم اکنون کبریت های تولید شده توسط این شرکت «در انبار شرکت مانده اند.» جعفری در این گفتگو، تخلفات مدیریت این شرکت در رابطه با شرایط کار کارگران را نیز به شدت مورد انتقاد قرار داد و از «ناکافی بودن هواکش ها در کلیه کارگاه ها، نبود حفاظت کافی برای کلیه تسمه ها، زنجیرها و فلکه های چرخي، نبود

سخنرانی نماینده کمیته ...

سیاسی و یا مدنی، از قبیل آزادی تشکل، حق برخورداری از قوانین دموکراتیک، آزادی اندیشه و بیان محدود نمی شود. این حقوق بیشک سنگ پایه های هویت انسانی اند، اما حقوق دیگری هم وجود دارد. حق مصون بودن از گرسنگی، حق تحصیل و آموزش، و حق برخورداری از بهداشت و مسکن مناسب. حزب توده ایران مبارزه در هر دوی این عرصه ها را ضروری و حیاتی می داند. ما حقوق سیاسی - مدنی را تنها به عنوان تضمینی برای تداوم آزادی های اجتماعی و دستیابی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شناسیم.

به عنوان نمونه حقوق کارگران، از جمله مواردی است که حقوق مدنی - سیاسی به شکل برجسته ای با

حقوق اجتماعی در ارتباط تنگاتنگی قرار می گیرد. رژیم جمهوری اسلامی مانند دیگر رژیم های فاسد دیکتاتوری، فشاری را که محصول شکست سیاست های اقتصادی - اجتماعی، سوء مدیریت، و اجرای نظرات واپسگرایانه در عرصه مدیریت اقتصادی - برنامه ریزی و تولید است، بر زندگی کارگران تحمیل کرده است. حقوق کارگران ناچیز است، مزایا و امنیت اجتماعی و شغلی وجود ندارد و شرایط و محیط های کارگری دشوار و از لحاظ رعایت مسایل ایمنی بسیار خطرناک است... در نبود قوانین، کودکان به کارهای شاق گمارده می شوند و هرگونه صدای اعتراضی با شدت و وحشیگری کم سابقه ای سرکوب می شود. رژیم از تاسیس و شکل گیری اتحادیه های مستقل کارگری اکیدا جلوگیری می کند و کوتاه سخن کلیه قوانین بین المللی کار، مواد بیابیه حقوق بشر و غیره زیر پا گذارده می شود...

یکی از فجع ترین عرصه های سرکوب حقوق بشر در ایران، سرکوب حقوق زنان است. رژیم جمهوری اسلامی، زنان را به عنوان شهروندان درجه دوم، که از بسیاری حقوق اجتماعی محروم هستند، محسوب می کند... دیدگاه رسمی درباره زنان عبارتست از اینکه زنان کالاها قابل استفاده و دور ریختنی هستند. هرگونه اعتراضی از سوی زنان به این اعتقادات قرون وسطایی به عنوان نشانه "فساد اخلاق" برداشت می شود و به وحشیانه ترین شکل، از جمله شلاق در ملاء عام قابل مجازات است... حزب توده ایران معتقد است که سطح دموکراسی در هر جامعه ای در ارتباط مستقیم با حقوقی است که زنان در آن جامعه از آن برخوردار هستند.

برخورد رژیم اسلامی با اقلیت های ملی و مذهبی نیز دارای سرشت و ماهیت مشابهی است. رهبران جمهوری اسلامی همیشه تکرار کرده

اند که به عقیده آنان تنها "امت اسلامی" وجود دارد و در جمهوری اسلامی جایی برای هویت های ملی و قومی موجود نیست. به گمان ما مبارزه در راه به رسمیت شناختن حقوق حقه اقلیت های ملی و مذهبی در شرایط کنونی از عرصه های مهم مبارزاتی نیروهای مترقی و آزادیخواه است...

مبارزه برای افشای جنایات جمهوری اسلامی و بسیج افکار عمومی علیه این جنایات در شرایط کنونی یکی از مهمترین وظایف سازمان ها و نیروهای ایرانی در خارج از کشور است. حزب ما در سال های گذشته با تمام توان خود در این راه کوشیده است. نامه های اعتراضی و همبستگی صدها حزب سیاسی، کمونیست ها، سوسیال دموکرات ها و نیروهای آزادیخواه به دبیر کل سازمان ملل متحد، حضور هیئت ها و شخصیت های برجسته در دفتر دیپلماتیک جمهوری اسلامی برای اعتراض، ارسال نامه اعتراضی به پارلمان اروپا و

تظننامه کنفرانس بررسی نقض حقوق

بشر در ایران - کپنهاک ۱۹ ژانویه ۱۹۹۴

به هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهور دولت ایران

ما با نگرانی مطلع می شویم که نقض جدی حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارشات سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین الملل، و گزارش که ۱۰ سفارتخانه خارجی در تهران تهیه کرده اند، مجازات های طولانی زندان، محاکمات غیر عادلانه، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد. تمامی گزارش های فوق الذکر، همچنین از ادامه تضییق و فشار علیه اقلیت های مذهبی و ملی، نظیر کردها، بلوچ ها، عرب ها... حکایت می کند.

بر پایه آمار رسمی انتشار یافته از سوی دولت ایران از ۳۳۰ مورد اعدام در سال ۱۹۹۳، ۱۴۰ مورد آن به خاطر دلایل سیاسی بوده است.

زنان ایرانی زیر پیگرد دائمی قرار دارند و حتی در انتخاب شکل لباس آزاد نیستند و زیر عنوان عدم رعایت قوانین اسلامی از جمله "حجاب" مورد ضرب و شتم قرار می گیرند.

ما از اینکه پیگرد مخالفان و فعالین سیاسی به خارج از مرزهای ایران نیز کشیده شده است و تعدادی از مبارزان سیاسی ترور شده اند، عمیقاً نگران هستیم. سازمان عفو بین الملل، در ۱۸ ماه گذشته، چندین مورد از ترور اعضاء احزاب و سازمان های سیاسی ایرانی در خارج از کشور را انتشار داده است. این اقدامات تنها به شهروندان ایرانی نیز محدود نمی شود و اتباع دیگر کشورها مانند سلمان رشدی، عزیز نسین، ناشرین و... را نیز شامل گردیده است.

کلیه مراجعات و درخواست های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وادار کردن ایران به رعایت کنوانسیون جهانی درباره حقوق سیاسی - اجتماعی بی اثر بوده است.

ما امضاء کنندگان زیر پایمال کردن این ابتدایی ترین حقوق انسانی را شدیداً محکوم می کنیم و شما را فرا می خوانیم تا:

- ۱- کلیه نکات قید شده در کنوانسیون جهانی حقوق بشر پیرامون حقوق سیاسی، فردی و اجتماعی را مراعات کنید؛
- ۲- صراحتاً نظرات خود را پیرامون آزادی بیان، اندیشه و تشکل اعلام کنید؛
- ۳- به حقوق اقلیت های ملی و مذهبی احترام بگذارید؛
- ۴- کلیه زندانیان سیاسی را آزاد کنید؛
- ۵- مجازات اعدام را لغو کنید.

امضاء کنندگان:

حزب سوسیالیست مردمی - دانمارک

حزب سوسیال دموکرات دانمارک

انجمن نویسندگان دانمارک

فدراسیون سندیکاهای کارگری دانمارک

سندیکای کارگران حرفه ای دانمارک

سندیکای کارگران زمین - کپنهاک

حزب کمونیست دانمارک

شبکه تلویزیونی TV- Stop در دانمارک

سازمان دانمارکی پناهندگان

حزب توده ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حزب کمونیست عراق - دانمارک

مشروطه خواهان ایران - دانمارک

مجله کمونیست - ارگان مرکزی

حزب کمونیست دانمارک

اقدامات انجام شده توسط اعضای پارلمان اروپا، در کنار دادخواهی بیش از ۵۰ مرکز کارگری، اتحادیه ها، و سندیکاهای کارگری از سراسر جهان، برگزاری سمینارهای افشاء کننده، و انتشار دهها نشریه به زبان های اصلی جهان در افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی تنها بخشی از فعالیت های حزب ما در این عرصه می باشد.

کارزار حقوق بشر، مبارزه ای همگانی است که همه نیروهای سیاسی و اجتماعی را در بر می گیرد. ما مایلیم نیروهای انسان دوست و آزادیخواه در سراسر جهان را متقاعد کنیم که ایران تنها در صورتیکه در چارچوب یک حاکمیت دموکراتیک باشد، می تواند نقش مثبت و سازنده ای را در صحنه جهانی، چه از نظر اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی ایفا کند... هیچ نیروی آزادیخواه و بشر دوستی نباید به خود این اجازه را بدهد که در چارچوب اهداف کوتاه مدت

اقتصادی، و در جستجوی دستیابی به قرار داد های پرسود تجاری، جان انسان ها را به متاعی برای معامله و حقوق بشر را به قربانی این روابط بدل کند... اقدامات اخیر دولت فرانسه در آزاد کردن دو تن از متهمان ترور، و پذیرایی صمیمانه دولت آلمان از مسئول سازمان اطلاعات و امنیت رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی که دادگاههای این کشور به محاکمه چهارتن از عاملان قتل رهبر حزب دموکرات کردستان ایران مشغول بودند، از جمله اعمالی است که نه تنها به هیچ صورت قابل توجه نیستند، بلکه تشویقی است برای ادامه تروریسم، جنایت و سرکوب حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی. چنین اقداماتی بدون شک لطمات جدی به کارزار حقوق بشر در مورد ایران وارد می کند...

ما به مبارزه برای دستیابی به دموکراسی و حقوق بشر در ایران عمیقاً متعهدیم. ما اهمیت فراوانی برای کوشش های مشترک در این راه قابل هستیم. به گمان ما در شرایط کنونی هیچیک از سازمان ها، و احزاب اپوزیسیون در شرایطی نیستند که بتوانند به تنهایی تغییرات مثبتی را در ایران ایجاد کنند.

ما خواهان اقدام مشترک و متحد همه نیروهای آزادیخواه و دموکراتیک علیه نقض حقوق بشر هستیم... بر اساس چنین دیدگاهی است که نشست کمیته مرکزی حزب ما در آذرماه سال جاری سند مهم "منشور آزادی" را به مثابه کارپایه و پیشنهادات حزب ما برای ایجاد یک ائتلاف وسیع در راه استقرار آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در ایران پیشنهاد نمود. در این سند که متن کامل آن در اختیار شما قرار دارد صریحاً اعلام شده است که حزب توده ایران تأمین آینده ای آزاد، با امنیت و عادلانه را تنها در گروی مبارزه وسیع و فراگیر مردم و همه نیروهای سیاسی و آزادیخواه کشور می داند... ما همه آزادیخواهان را فرا می خوانیم، بیابید دست در دست هم بذرهای آزادی را در میهن استبداد زده مان بکاریم و به استقبال ایرانی آزاد، آباد و مستقل برویم.

به مناسبت ۱۴ بهمن ، ۵۴ - مین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی

"ارانی بذر زرین بر فراز کشورش افشاند"

با فرا رسیدن چهاردهم بهمن، پنجاه و چهارمین سالروز شهادت دکتر تقی ارانی، دانشمند و مبارز بزرگ توده های رنج و زحمت کشورمان، سالروز شهیدان حزب فرا می رسد. در مورد شخصیت والا، انسانی و مبارز دکتر تقی ارانی بسیار گفته اند و نوشته اند. از دوستان تا مخالفان حزب همگی در نقش برجسته ای که دکتر ارانی در دگرگون کردن چهره سیاسی و اجتماعی آنروز کشور ما ایفا کرد، متفق القول هستند. مهندس بازرگان در مورد ارانی و فعالیت های او می گوید: "دکتر ارانی در همان دوران گروه ۵۲ نفر را تشکیل داد. ارانی همچنین دوشب در هفته کلاسی در منزل خود تشکیل می داد و ضمن تدریس دروس فیزیک و ریاضی، مطالب اجتماعی را نیز مطرح می کرد. آقای مهندس "مرتضی قاسمی" که از دوستان خود ما بود، نیز در این جلسات شرکت می کرد... وی مطالب آن جلسات را برای من نقل می کرد و از جمله می گفت در یکی از جلسات دکتر ارانی مطرح می کرد که چاره این مملکت چیست و چطور می توان از این عقب ماندگی بیرون آمد؟... نکته ای که در اینجا باید بگویم این است که مبارزات سیاسی در دوران جدید و تأسیس حزب و گروه های انقلابی را توده ای ها به جوانان ایرانی یاد دادند. حالا گرچه ما با آنها مخالفیم ولی حق را باید گفت که در آن زمان نه ملی ها و نه آخوندها، هیچیک در این مسایل وارد نبودند و عملاً کمونیست ها بودند که اندیشه مبارزه سیاسی را به ایران آوردند... (مجله "ایران فردا"، شماره ۴، ۱۳۷۱). رفیق شهید توده ای، عبدالحسین آگاهی نیز در یادبود شخصیت والای دکتر ارانی نوشت: "ارانی انقلابی ای بود دانشمند و دانشمندی بود انقلابی، که جان شیرین را بر سر ترویج اندیشه های علمی انقلاب اجتماعی گذاشت. او مروج دانا و با ایمان جهان بینی علمی طبقه کارگر، یعنی مارکسیسم لنینسم بود... (مجله "دنیا"، شماره ۵، ۱۳۵۸). رژیم استبداد در سیمای دکتر ارانی، پیکارگری خستگی ناپذیر، با استمدادی شگرف و تفکری والا می دید که هستی ارتجاع در ایران را به خطر انداخته بود. سراسر زندگی کوتاه، ولی پریار دکتر ارانی، جز خدمت پاکبازانه در راه رهایی زحمتکشان کشور ما و برای تحقق عدالت اجتماعی در میهن ما، نیست. دکتر ارانی با الهام از پیروزی انقلاب کبیر اکبر و جنبش اوج گیرنده خلق های ایران در کیلان،

آذربایجان و خراسان، به صحنه مبارزه سیاسی کشانده شد و تا پایان به مبارزه خود ادامه داد. دکتر ارانی در سال ۱۳۱۳، به اتفاق جمعی از همزمانش، امتیاز نشر مجله "دنیا" را دریافت کرده و این مجله را به عنوان نخستین نشریه ای که به ترویج علمی جهان بینی علمی و پایه های فلسفی آن، یعنی مارکسیسم، مبادرت می کرد، انتشار داد. دکتر ارانی در این مجله با نام های مستعار "احمد قاضی"، "ا"، "جمشید" و نیز با نام اصلی خود مقالات گوناگون و پریار اجتماعی، سیاسی و علمی انتشار داد. مبارزه دکتر ارانی و یارانش در سال های ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴، و سازماندهی اعتصاب در دانشگاه تهران علیه حکومت ترور رضا خان، سرانجام به تعطیل شدن "دنیا" در سال ۱۳۱۴ و دستگیری ارانی و یارانش، که بعدها به گروه ۵۲ نفر مشهور شدند، انجامید. دکتر ارانی با مقاومت دلیرانه در زندان و دفاع شورانگیزی که در دادگاه از آرمان های والای زحمتکشان به عمل آورد، نامی جاوید در تاریخ مبارزات مردم کشور ما یافت. سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸، چراغ پرفروغ زندگی دکتر ارانی، این فرزانه و دانشمند انقلابی، خاور زمین در سن ۲۸ سالگی خاموش شد. ولی بذری که ارانی در کشور ما افشاند، سرانجام بساطت حکومت استبداد شاهنشاهی را در هم پیچید و راه را برای دستیابی به آزادی و عدالت در ایران هموار تر کرد. حزب ما از آن تاریخ تاکنون این روز را به عنوان روز تجدید عهد با آرمان های والای زحمتکشان کشورمان، راهی که دکتر ارانی و تمامی رهروان پس از او در آن گام گذاشتند، گرامی می شمرد. کاروان انبوه شهیدان، رهروان و مبارزانی که در پنج دهه گذشته راه پر سنگلاخ و دشوار نبرد در راه آزادی کشورمان را با الهام از ارانی و ارانی ها پیموده اند، همچنان به حرکت آرام ولی مطمئن خود به سوی پیروزی نهایی و استقرار آزادی و دموکراسی در میهن استبداد زده مان ادامه می دهد. نام این قهرمانان، نام ارانی، و ارانی ها با حروف زرین در تاریخ واقعی مبارزات خلق های کشورما به ثبت رسد است و دیر نیست آنروز که در آزادی میهن تندیس این اسطوره های قهرمان در گوشه و کنار کشورمان برپا گردد. ما بار دیگر در این سالروز به خاطره همه شهیدان حزب و تمامی شهدای راه آزادی و عدالت در کشورمان درود می فرستیم. یادشان گرامی و راهشان پررهو باد!

گمندی "عدالت" قضایی

در جمهوری اسلامی

مهندس عبیدی، عضو شورای سردبیری سلام در دادگاه انقلاب به یکسال زندان و چهل ضربه شلاق محکوم شد. «روزنامه سلام» که این خبر را در شماره شنبه ۴ دی ماه خود منعکس کرد، نوشت: "این مطلب را روز پنجشنبه گذشته دفتر دادگاه انقلاب اسلامی تهران شعبه اول تلفنی به همسر آقای عبیدی اعلام نموده است... فردی که از دفتر دادگاه این حکم را به همسر آقای عبیدی اعلام کرد در مقابل این سوال که این حکم به استناد کدام ماده از قوانین کیفری است و کدام یک از اتهامات وارده به آقای عبیدی را دادگاه جرم تشخیص داده است و چند سوال دیگر کاملاً اظهار بی اطلاعی نموده است."

موسوی تبریزی، دادستان کل کشور نیز ۲۱ روز پس از انتشار این خبر در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: "در مورد آقای عبیدی تصور نمی کنم برای کسی نکته مجهولی مانده باشد. اخیراً محاکمه ایشان تمام شد و به یکسال زندان و چند ضربه شلاق تعلیقی محکوم شدند... لزومی ندارد که ما قانوناً بخواهیم موارد اتهام ایشان را بیان کنیم..."

خوانندگان به خاطر دارند که در هفته های گذشته رئیس قوه قضاییه کشور، در اظهاراتی که ضمن رد اعتراض های شدید بین المللی پیرامون نقض شدید حقوق بشر ایراد کرد، از جمله ضمن طرح این ادعا که تمامی دادگاه های جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی به صورت علنی و با حضور وکیل مدافع و... برگزار می شود اعلام کرد که دادگاه مهندس عبیدی در چارچوب این موازین کاملاً آزاد و باز برگزار خواهد شد. دروغوویی از صفات ویژه ای است که سران رژیم جمهوری اسلامی همگی از آن برخوردار هستند. در کشوری که رئیس قوه قضاییه این چنین بی پرده و بی محابا حقیقت را لگدمال می کند، دادستان کل کشور لزومی به اعلام جرم متهم نمی بیند و به نوشته روزنامه سلام نه تنها دادگاه مهندس عبیدی غیر علنی بوده و وی از داشتن وکیل محروم بوده است، حتی حکم دادگاه تا سه هفته پس از صدور آن به متهم ابلاغ نمی شود، و بر اساس گزارش سالیانه سازمان ملل متحد بیش از ۲۰۰،۰۰۰ هزار زندانی سیاسی در زندان های آن در شرایط طاقت فرسای بی سر می برند، و تاکنون هزاران انسان بی گناه بدون محاکمه قانونی، داشتن وکیل مدافع و حق دفاع از خود اعدام گردیده اند، جز این چنین شیوه برخورد و عملکردی نمی توان انتظار داشت. محاکمه مهندس عبیدی و عاقبت کار او درس مهمی است برای کسانی که در توم ایچاد یک نیروی "اپوزیسیون قانونی - اسلامی" به سیاست بازی یا رژیم مشغول بوده و هستند. تاریخ ۱۵ سال گذشته کشور ما و حاکمیت یافتن نظام استبدادی کنونی نشان داده است که ارتجاع حاکم توان قبول اندیشه های مخالف را چه اسلامی و چه غیر اسلامی ندارد. کشتار، زندان شکنجه و شلاق تنها شیوه ای است که جنایتکاران حاکم بر کشور ما در مقابله با دگراندیشان به کار گرفته و در آینده نیز به کار خواهند گرفت.

کمک های مالی رسیده:

انوشه از بروکسل به یاد شهید حسین پور تبریزی ۵۰۰ فرانک
زویبور ۱۰۰ مارک

NAMEH MARDOM

NO ; 420

Februar 1 , 1994

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

نامهء مردم